

تاجگذاری رضا شاه کبیر شاهنشاه پهلوی

روز يكشنبه چهارم اردی بهشت ماه سال ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری اعلیحضرت رضا شاه پهلوی به شرحی که مختصراً یاد میشود در کاخ گلستان بعمل آمد .

تشریفات

دانشجویان دانشکده افسری تشریفات نکهبانی را عهده دار گردیدند . پس از حضور مدعوین در تالار تخت طاوس که معروف به طالار موزه است پرچمهای ارتش نیز در بالای تالار قرار گرفت . در این هنگام والاحضرت ولایتعهد در پیشاپیش هیئت حاملین تاجها و اثاثیه سلطنتی که یادگارهای ازدوران شاهنشاهی ایران بود وارد تالار موزه شدند و در گرداگرد تالار قرار گرفتند .

ورود ولایتعهد

والاحضرت ولایتعهد در طرف راست تخت نادری ایستادند . پرچم سلطنتی در پشت تخت نگاهداشته شد ، جای آجودانها بین تخت نادری و تخت طاوس تعیین شده بود . حاملین اثاثیه سلطنتی در فاصله معینی از تخت نادری در دو صف مقابل هم بدین شرح قرار گرفتند :

اثاثیه سلطنتی

۱ - آقای فروغی رئیس الوزراء حامل تاج کیان ۲ - آقای تیمور تاش وزیر دربار حامل تاج پهلوی
۳ - آقای امیر لشکر امیر طهماسب وزیر جنگ حامل شمشیر جهانگشای نادری ۴ - آقای اسعد وزیر پست و تلگراف حامل تاج مروارید ۵ - آقای فاطمی وزیر عدلیه حامل عصای مرصع سلطنتی ۶ - آقای داور وزیر فوائد عامه حامل دریای نور ۷ - آقای دادگروزی داخله حامل قلچاق سلطنتی ۸ - آقای بیات وزیر مالیه حامل تمثال مبارک ۹ - امیر لشکر احمد آقاخان رئیس امنیه حامل گرز سلطنتی ۱۰ - امیر لشکر نصرالله خان آبرم حامل شمشیر شاه اسمعیل صفوی ۱۱ - امیر لشکر جلایر حامل سپر سلطنتی ۱۲ - امیر لشکر نقدی حامل شمشیر شاه عباس صفوی ۱۳ - امیر لشکر انصاری حامل قداره مرصع ۱۴ - امیر لشکر خزاعی حامل تبرزین سلطنتی ۱۵ - امیر لشکر اسمعیل خان حامل زره شاه اسمعیل صفوی ۱۶ - امیر لشکر امان الله میرزا جهانبانی حامل کمان نادری ۱۷ - امیر لشکر قاسم خان والی حامل تیر کش مرصع ۱۸ - آقای مفتاح کفیل وزارت امور خارجه ۱۹ - آقای امیر اکرم چراغعلیخان پهلوی پیشکار والاحضرت اقدس ۲۰ - آقای سمیمی حکمران طهران ۲۱ - آقای جم معاون ریاست وزراء ۲۲ - آقای میرزا یوسفخان مشاور کفیل وزارت معارف و اوقاف

ورود اعلیحضرت

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی در حالیکه جقه نادری بر سر و شل مروارید بر دوش داشتند و امیر لشکر مرتضی خان یزدان پناه ژنرال آجودان و دیگر آجودانها ملتزم بودند با اعلام رئیس تشریفات وارد سالن شدند .

جلوس بر تخت نادری

اعلیحضرت از میان دو صف حاملین اثاثیه سلطنتی و پرچمهای ارتش که در حال احترام بودند عبور فرموده بر ادیکه تخت نادری جلوس کردند . در این هنگام امام جمعه خطبه سلطنت را به نام اعلیحضرت پهلوی خواند



خطبه سلطنت بنام اعلیحضرت رضا شاه پهلوی خوانده شد

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء بيدك الخير و هو على كل شيء قدير الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا وجعل الارض موطئا لاناوار ربوبيته و مظهر اللطاف ربانية الذي جعل الانبياء والسلاطين الحافظين على حقوق عبادهم بالعدل والاحسان كما قال في كتابه الكريم (يا داود انا جعلناك خليفة في الارض فاحكم بين الناس بالعدل).

* منت خدای را که تاج کیانی را افسر سری فرموده که به نیروی عقل و درایت و الطاف ربانیت مقام سلطنت را احراز فرموده از حضرت احدیت تمنا داریم که نعمت وجودش را مستدام داشته تا عموم ایرانیان از نعمت وجودش منتعم شوند در خاتمه از طرف عموم ایرانیان خصوصاً مقام روحانیت تبریکات صمیمانه خود را تقدیم اعلیحضرتش می‌نمائیم و استدعا داریم که یش از پیش در حفظ اساس دیانت و مقام روحانیت توجه مخصوصی فرموده که موجب تشکر عموم ایرانیان و بقاء سلطنت در آن دودمان خواهد بود والسلام من التبع الهدی .

چگونگی تاجگذاری

وزیر دربار تاج پهلوی را بحضور برده تقدیم داشت . اعلیحضرت تاج را بر سر نهادند و شمشیر جهانگشای نادری را که بوسیله وزیر جنگ تقدیم شد زیب پیکر ساختند و همین هنگام در میدان مشق بیستویک تیرتوپ شلیک شد . رئیس تشریفات حقه نادری را گرفت و در جای تاج پهلوی گذارد و رئیس دیگر تشریفات شمشیر اعلیحضرت همایونی را گرفت و در جای شمشیر جهانگشای نادری قرار داد .

نیات اعلیحضرت

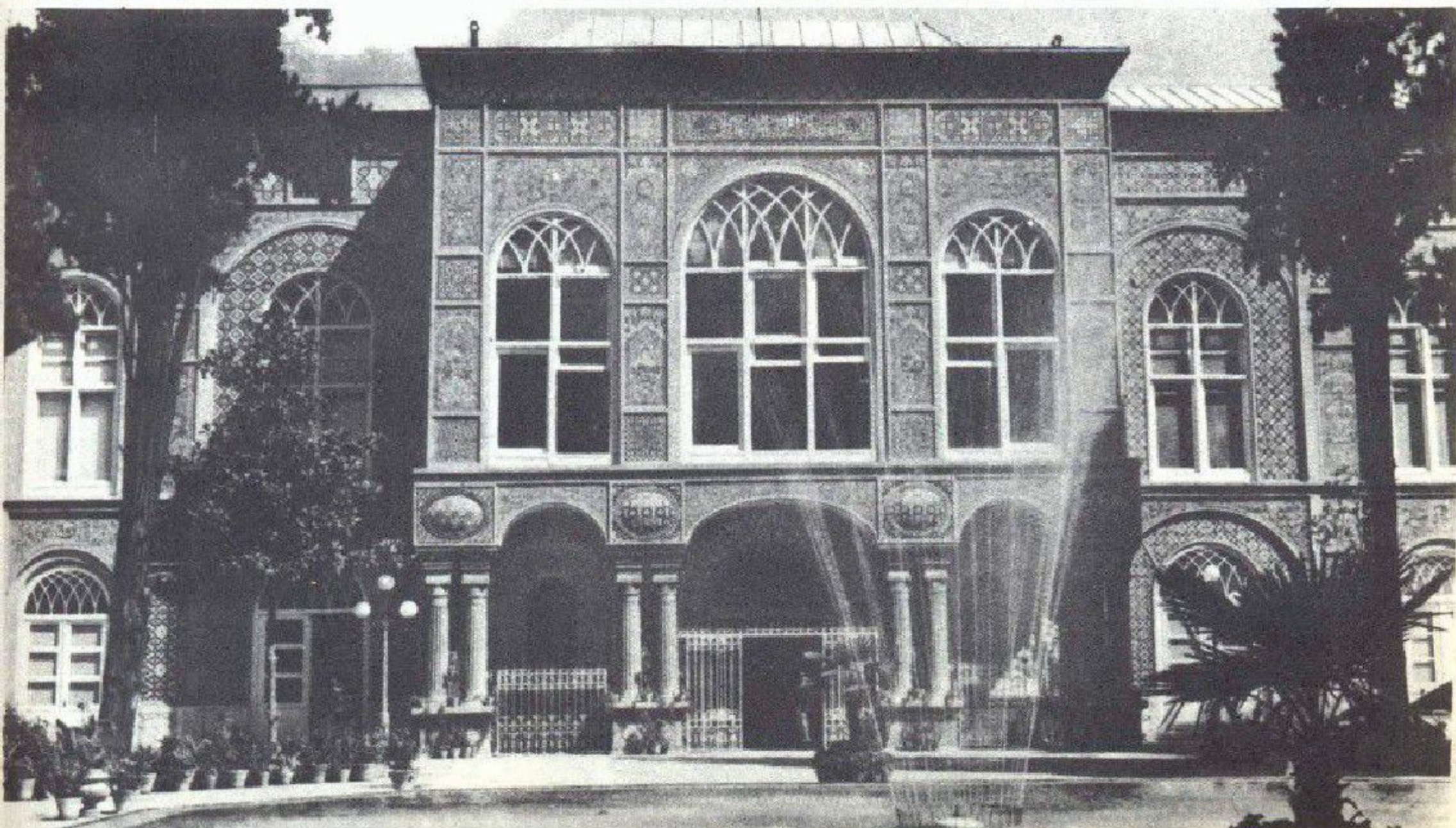
اعلیحضرت نیات خود را در مقام سلطنت با ایراد سخنانی بیان فرمودند و بعد نخست وزیر طی بیاناتی تبریک گفت و سپس هر یک از رؤسای طبقات و سفرا ضمن سخنانی تبریک گفتند .

بازگشت

بعد از انجام مراسم تاجگذاری اعلیحضرت با همان تاج و شمل و شمشیر و حمایل از تخت نادری فرود آمده و باتفاق ولایت عهد و حاملین ائاثیه سلطنتی به تالار برلیان معاودت فرمودند .

هنگام جشن

چراغانی و شب نشینی و ضیافت‌های خاص به مدت یک هفته بر گزار گردید و از طرف سران دول متحابه تبریکات تلگرافی گفته شد و سلطنت اعلیحضرت پهلوی را همه دول به رسمیت شناختند .







هنگام عبور امیدان سپه برای تشریف فرمائی بکاخ گلستان و اجرای مراسم
تاجگذاری - یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵

بیانات اعلیحضرت پهلوی بهنگام تاجگذاری

... در این هنگام که مراسم تاجگذاری خود را بعمل میآورم لازم میدانم نیت خود را در اجراء اصلاحات اساسی مملکت خاطر نشان عموم نمایم تا بروز این نیت هم دستور جامعی برای دولت های من شناخته شود و هم عامه اهالی به مدلول آن آشنا باشند .

اولاً توجه مخصوص من مبطوف حفظ اصول دیانت و تشدید مبانی آن بوده و بعدها نیز خواهد بود زیرا که یکی از وسائل مؤثره وحدت ملی و تقویت روح جامعه ایرانیست را تقویت کامل از اساس دیانت میدانم .

ثانیاً از آنجائی که با خواست خداوند متعال و توجهات ائمه اطهار من همیشه کردار خود را بر گفتار ترجیح داده و هر موفقیتی هم که در جریان اصلاحات مملکتی نصیب من شده است فقط از راه سعی و عمل بوده بدو مایلیم که کارکنان دولت و کلیه آحاد و افراد مملکت به این حقیقت کلی پی برده و این دستور اساسی را سر لوحه وظایف اولیه خود تشخیص دهند و همه بدانند که پیشرفت هیچ مقصود و انجام هیچ امری ممکن و میسر نخواهد شد مگر در سایه جدیت و کوشش و پایان سعی و عمل، سپس دولت های شاهنشاهی من باید قطعاً متذکر باشند که لزوم اجرای اصلاحات اساسی مملکت از قبیل توسعه قوای تأمینیه و بسط معارف و توجه مؤثر به حفظ الصحة عمومی و همچنین توجه جدی به ترقی وضعیت اقتصادی و تکثیر ثروت عمومی و تکمیل وسائل نقلیه و بهبودی اوضاع فلاحت و تجارت و اصلاح فوری و عاجل قوه قضائیه رخصت هیچگونه تأمل و رخنه را نداده با کمال فوریت وسائل اجراء اصلاحات مزبوره را که تمام در درجه اهمیت است فراهم نمایند که نیت من همانطور که انتظار دارم بموقع اجراء گذاشته شود و مخصوصاً مقرر داشتیم که برای افتتاح دوره ی ششم مجلس شورای ملی موجبات و مقدمات امر از طرف دولت تهیه گردد .

عمال دولت باید سرمشق حسن عمل و صراحت اخلاق و استقامت رأی باشند و بکوشند تا مردم تندرست و توانا و دانا و توانگر شوند و وسائلی که مستلزم رفاهیت و آسایش حال عمومی است بر طبق انتظار من میسر گردد .





اعلیحضرت رضاشاه پهلوی نیت خود را در مقام سلطنت برای خدمت به مملکت بیان داشتند



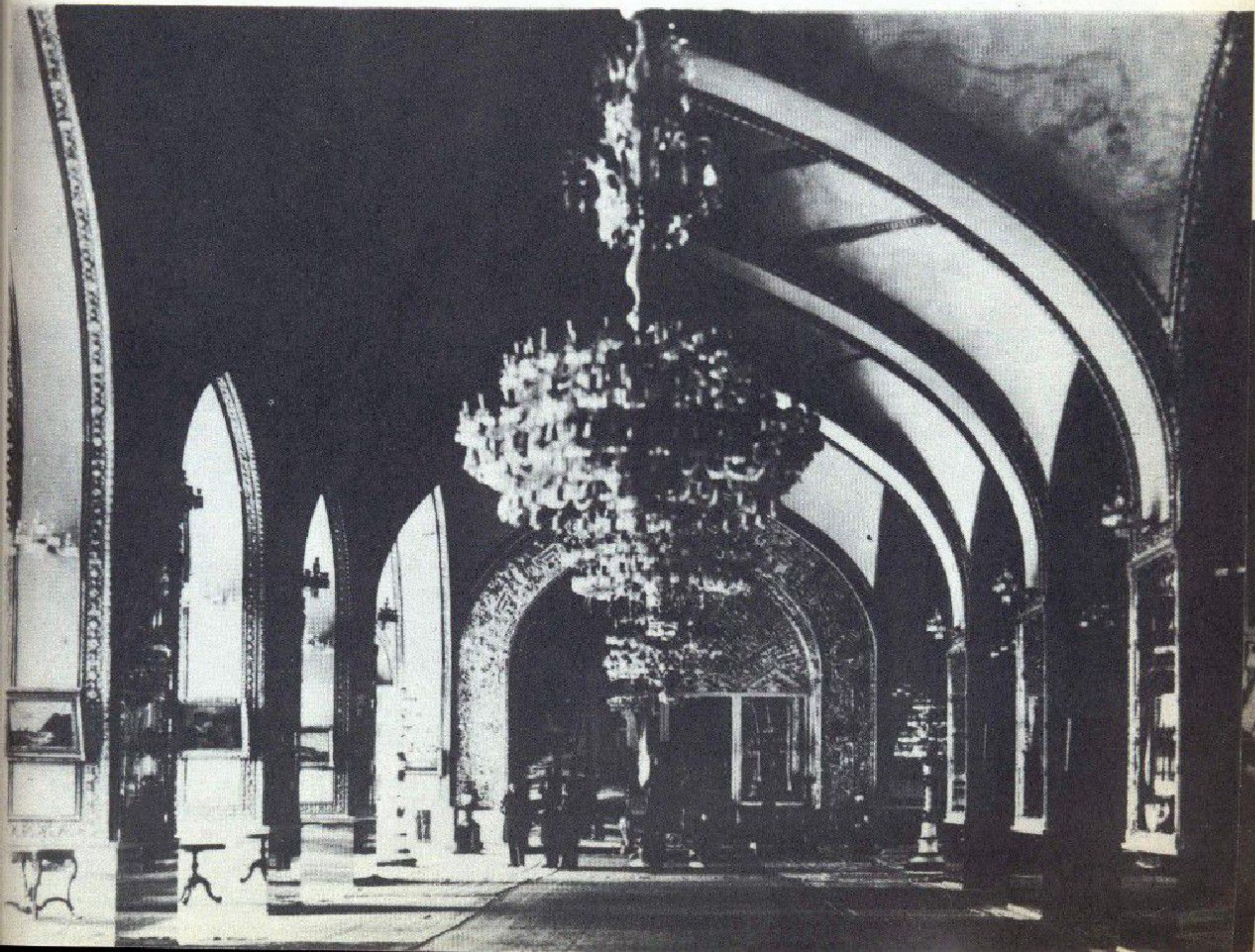
خاطره بی از روز تاجگذاری

... جالبترین خاطره دوران طفولیت من روزی است که پدرم با مراسم بسیار باشکوهی بعنوان رضا شاه پهلوی، تاج شاهنشاهی بر سر نهاد و من نیز بولایتعهد برگزیده شدم، مراسم مجلل و بی نظیر تاجگذاری در تالار قصر گلستان و تخت طاوس باشکوه خاص و تشریفات باستانی انجام گرفت و ابهت و عظمت آن منظره در من که در آن ایام شش سال بیش نداشتم اثری شگرف داشت ...

از کتاب ماموریت برای وطنم



تالار تخت طاوس معروف به تالار موزه کاخ گلستان





تبریک نمایندگان دول و پانخ شاهشاه

و موفقیت گردد. موقع را معتنم شمرده دوام عمر و سعادت اعلیحضرت
شهریاری و موفقیت آن اعلیحضرت را برای سعادت ملت ایران
خواستار میباشم.

بیانات ملوکانه

و آقای مقدم السفرا.

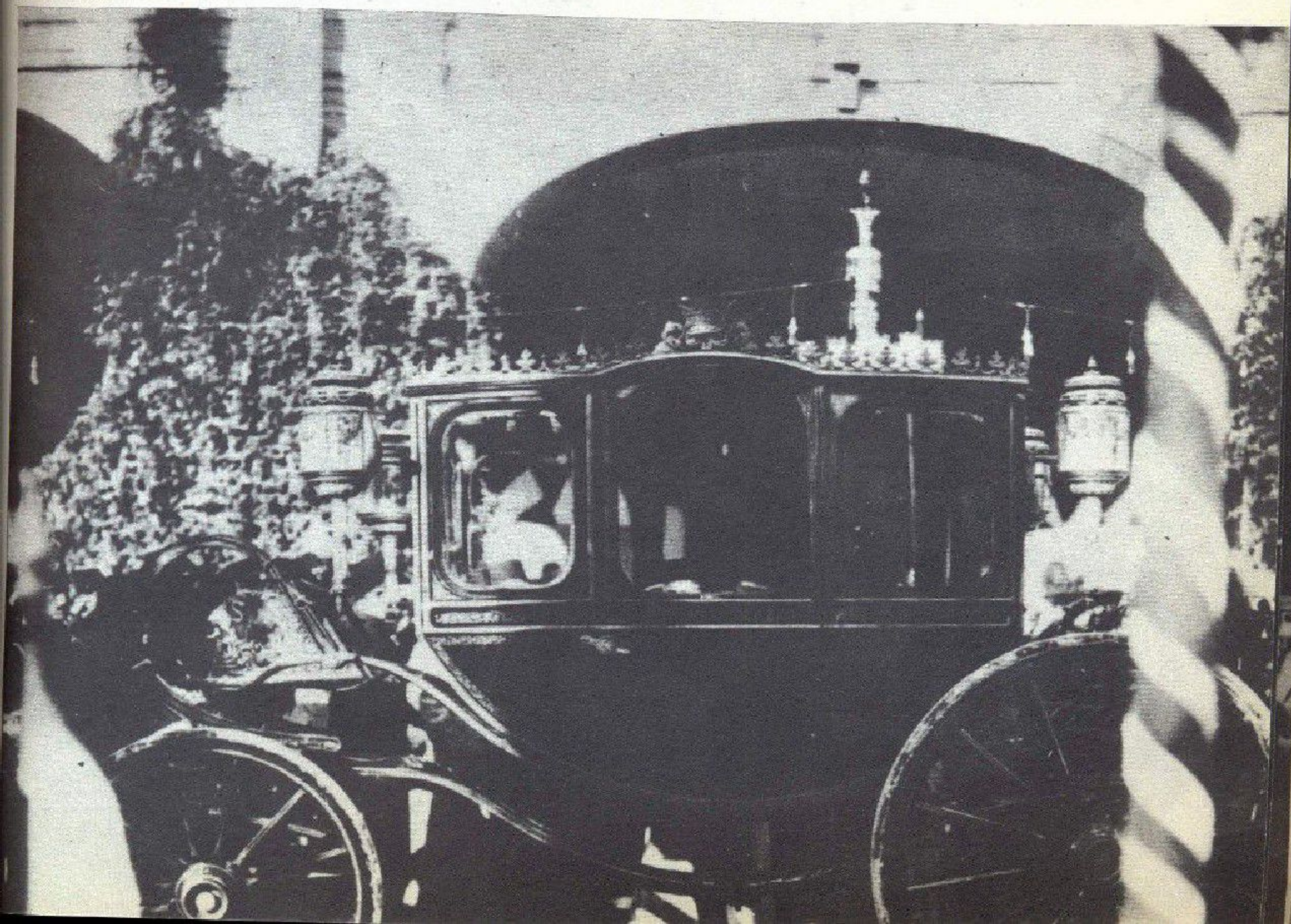
جشن تاجگذاری ما موقع بسیار مطلوبی پیش آورده که نمایندگان
محترم دول دوست را ملاقات مینماید.

ادعیه صادقانه را که با بیان فصیح تبلیغ نمودید با کمال
مسرت پذیرفته احساسات مودت آمیزی که برای مملکت ما اظهار
داشتید باعث شرف خاطر ما گردید از خداوند قادر متعال خواستاریم
به مجاهدات شما برای تهیه موجبات سعادت ملت ایران توفیق کامل
عطا فرماید. آقایان مطمئن باشید تمام مساعی ما مانند گذشته در
حفظ و تشیید روابط حسنه با دولی که سمت نمایندگی آنها بکف کفایت
شما محول شده مصروف خواهد گردید.

در مدخل کاخ گلستان

بر حسب وقتی که قبلاً تعیین شده بود دو ساعت قبل از ظهر
روز پنجم اردیبهشت کلیه سفرا و وزراء مختار و نمایندگان دول برای
عرض تبریک تاجگذاری به مامارت گلستان حضور بهرسانیده و مجتمعاً
به حضور ملوکانه رسیدند و سپس یورینف سفیر کبیر دولت شوروی که
سمت شیخ السفرائی داشت شرح زیر را بزبان فرانسه ایراد کرد:

بنام خود و همکاران محترم خویش که با افتخار شرفیابی حضور
همایونی ناآل شده اند با کمال افتخار در این موقع تاریخی که برای
سعادت ایران پیش آمده تبریکات صمیمانه و ادعیه خالصانه را تقدیم
پیشگاه ملوکانه مینماید و با نهایت خوشوقتی بعرض اعلیحضرت اقدس
میرساند که اعضای محترم هیئت نمایندگان سیاسی آرزو مند عظمت مملکت
زیبائی که در تحت لوای اعلیحضرت شاهنشاهی اداره میشود میباشیم و
امیدواری داریم که روابط دوستی موجوده بین ایران و ممالک معظمه که
نمایندگان آنها افتخار حضور دارند بیش از پیش بر اساس محکمی
استوار و اوضاع عمومی مخصوصاً ترقیات اقتصادی ایران قرین عظمت



سلام خاص و شب نشینی کاخ صاحبقرانیه

اظهارات فروغی، کفیل ریاست وزراء، و... نمایندگان ایالات و ولایات ممالك محروسه ایران کمال افتخار و تشکر را دارند که بامر واجازه ملوکانه مجدداً بشرف حضور خسروانه مخصوص گردیده اند و همگی این موقع را غنیمت می‌شمارند که در این سلام خاص مراتب عبودیت و قدسیت عموم ایرانیان را بالاخص معروض داشته و از توجهات کامله شاهنشاهی که ذرهمورد نسبت بآنها ظاهر و هویدا است از طرف همگی عرض تشکر نمایند همانطور که واسطه عرض احساسات چاکری و تبریک عبیدانه اهالی بخاکبای مبارک هستند منبع مراحم و عواطف واقعی ذات مقدس شاهانه نسبت بآنها باشند همه نمایندگان امیدوارند که این ملت شاه پرست علاقه و بستگی خود را نسبت به پادشاه خود در هر حال آشکار نمایند که هر یک مانند فرزند خلف طرف عنایت و مرحمت آن پدر مهربان بوده و عنایات کامله و الطاف ملوکانه و رعیت پروری و ملت دوستی آن اعلیحضرت نیز طوری نسبت به عموم جلوه گر باشد که خرد و بزرگ دور و نزدیک با اعتماد کامل ذات اقدس همایونی را پدر واقعی و پادشاه محبوب خود دانسته هرساعت از صمیم قلب و شمع خاطر مزید شوکت و عظمت پادشاه مهربان خود را از خدا بخواهند. پس از تاجگذاری و خواندن خطبه و ایراد خطابه اعلیحضرت شاهنشاه طبق برنامه با تشریفات مخصوص بخارج شهر حرکت نمودند.



نخست وزیر و وزیر دربار افتخار حضور دارند

در شب نشینی کاخ صاحبقرانیه برای اولین بار نمایندگان دول خارجی با بانوانشان حضور یافتند

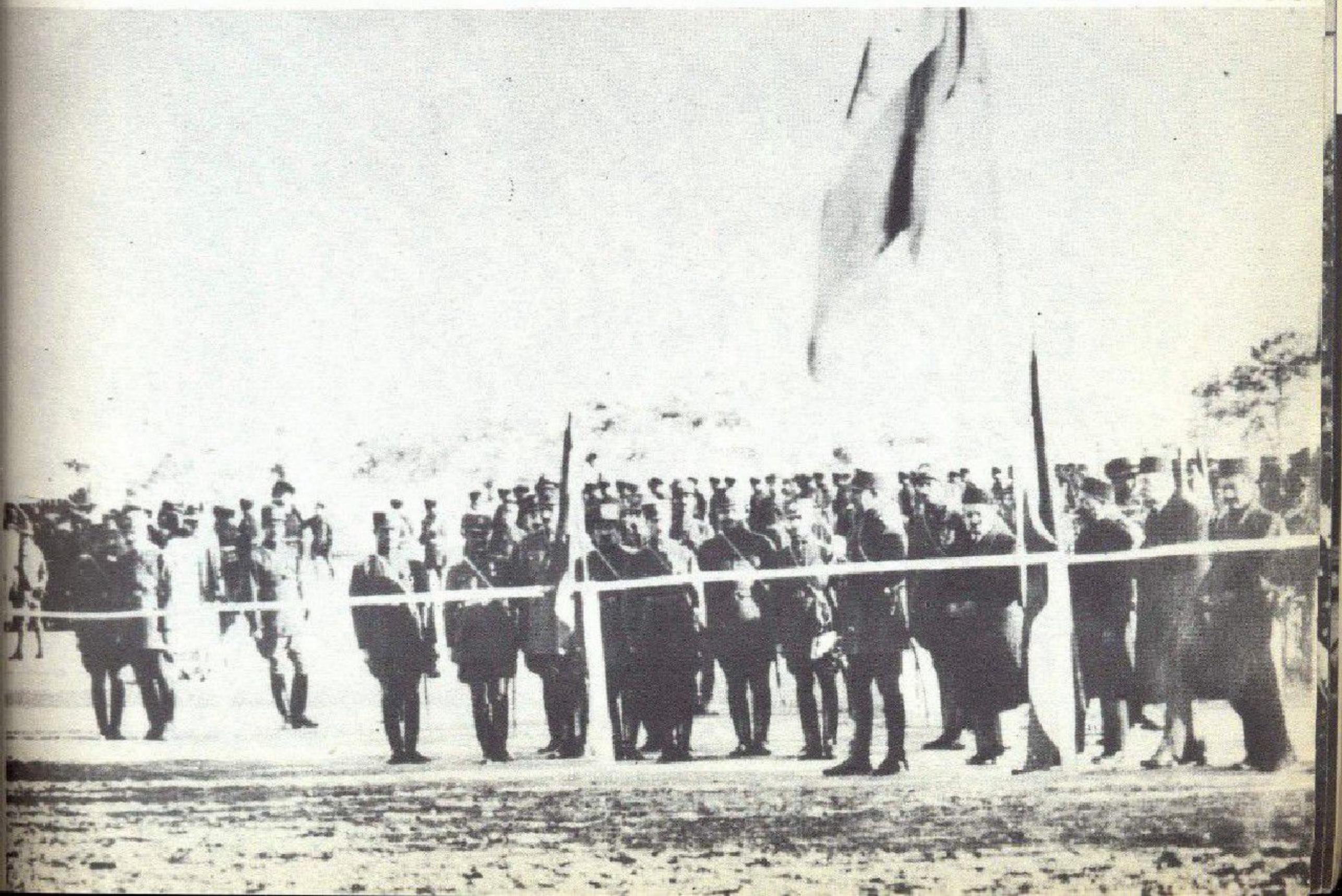


دومین روز تاجگذاری و مراسم ارتش

روز دوشنبه پنجم اردیبهشت سال ۱۳۰۵ خورشیدی و فردای روز تاجگذاری مراسم رسمی برای سلطنت اعلیحضرت پهلوی و اعطای «پرچم افراشته» در میدان مشق و دیگر واحدهای ارتش صورت گرفت. ابتدا اعلیحضرت از در شمالی میدان مشق سوار بر اسب با ملتزمین که سران ارتش بودند وارد میدان مشق شدند، مراسم سان ورژه صورت گرفت و سپس پرچمهای ارتش که بزرگترین آن پرچم افراشته است و عنوانی باستانی دارد بانوای موزیک طی مراسم خاص و با تشریفاتی جالب داده شد و همان هنگام بیست و یک تیر توپ شلیک گردید.

یاد می آریم پرچم افراشته

در مورد «پرچم افراشته» سخن بسیار است اما آنچه درباره این پرچم گفته میشود همان است که از نیاکان ما ایرانیان بجای مانده زیرا نخستین پرچم را «کاوه آهنگر» برافراشت و بر «ضحاك» شورید و ملت ایران پیروز گشت. از آن پس بیاد آن درفش کیانی که نشانه پیروزی بر یگانهای دیگر را بعصر هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان بگوهر آراستند و برافراشتند که همه در کاخ کسری بیادگار مانده بود و بهنگام حمله ی عرب با تاج کیان و فرش بهارستان بتاراج رفت و در ادوار تجدید مجد و عظمت ایران دوباره بیاد تاج کیان و درفش ایرانیان پرچم افراشته را برپا ساختند و در جنگها به نشانه پیروزی نیاهای خود پیشاپیش به جبهه نبرد بردند و این میراث پرافتخار را تا بعصر ما بیادگار گذاردند که هنوز هم پای برجا و مورد توجه و احترام و ستایش ما است.





آغاز مأموریت برای وطن

« ... پدرم دستور داد که تحت تربیت خاصی که آنرا تربیت مردانه نام مینهاد قرار گیرم و برای قبول مسئولیت بزرگ آینده آماده شوم . در همین موقع نام من در دبستان نظام ثبت شد و در حقیقت این مدرسه بخاطر من و چهار برادر دیگرم تاسیس شد و من در کلاسی که جمعی بیست و یک نفر دانش آموز داشت و همه آنها از بین فرزندان مأموران دولتی و افسران ارتش با کمال دقت و احتیاط انتخاب شده بودند مشغول تحصیل شدم و برادرانم که کوچکتر بودند بکلاسهای پایینتر رفتند . دانش آموزان این دبستان لباس نظامی میپوشیدند و برنامه درسی بسیار دشواری داشتند و زندگانی کودکی من نیز تماماً در محیط نظامی یعنی در تحصیل و تمرینهای سر بازی میگشت ... »

از کتاب مأموریت برای وطنم

بازدید از مدرسه نظامی تلگراف بیسیم

امیراکرم عمو و پیشکار ولایتعهد در خدمت شاه و ولیعهد



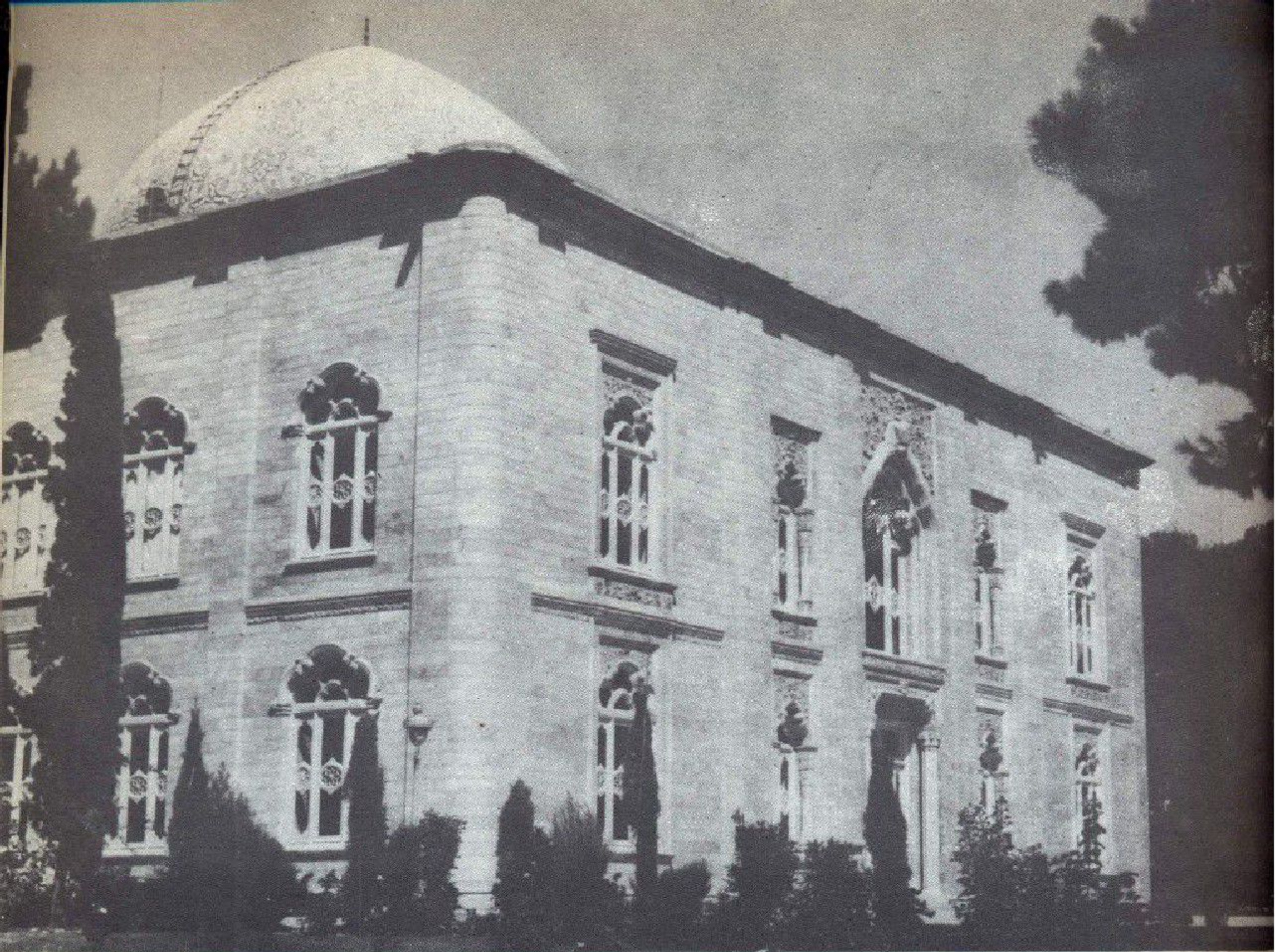




بالرهد از مدرسه نظامی پستولکرائی[†]

جوانان هشایر ایران که بتقاضای سران آنها اسکورت خاص اعلیحضرت
رضاشاه پهلوی بودند هنگام رژه ارتش نیز از برابر اعلیحضرت
رژه میرفتند





کاخ اختصاصی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی امروز معروف به کاخ مرمر، است و یکی از آثار عصر پهلوی در زیبایی و نشان دادن استیل ایرانی بشمار میرود

تشیلات در بار پهلوی

مدرسه عشایر

* از آنجا که همیشه اعلیحضرت رضا شاه پهلوی در اندیشه تعمیم فرهنگ بود یکی از اقدامات اولیه دیگر او تأسیس مدرسه ای بنام «دارالتربیه عشایر» بود که برای تعلیم و تربیت فرزندان عشایر در تهران تأسیس شد تا آنها بمدرسه بروند و درس بخوانند و از زندگی بدوی دوری گزینند و خود خواستار اسکان ایل و تبارشان گردند.

آخرین بقایای ناامنی

سرکشی اسماعیل سمیتقو رئیس ایل شکاک هنوز خاتمه نیافته بود، تا آنکه در سال ۱۳۰۹ در یک زد و خورد محلی کشته شد. تا آنروز در کردستان گاه گاه تشنجی روی میداد و لرستان باز هم میخواست که بحال خود بازگردد ولی ممکن نشد و بادرستگیری پسر والی پشت کوه در سال ۱۳۰۷ حوادث آن سامان نیز بکلی خاتمه یافت و در همین سال بود که دوست محمدخان بلوچ دستگیر و به تهران آمد که باز هم فرار کرد. آخرین فتنه ای که این بار روی داد طغیان قشقایی ها بود، زیرا قشقایی ها ابتدا بارشاه بودند و بعد که همه جا آرام شد باغتشاش پرداختند ولی در اندک مدت سرکوب شدند و آرام گرفتند.

* از هنگامی که ودیعه ی ملت یعنی مقام سلطنت با اعلیحضرت رضا شاه پهلوی تفویض شد برای استحکام وحدت ملی و تمرکز امور مملکتی در یک نقطه بشعاع وسیع، ابتدا کار را از خود آغاز کرد، و دربار سابق و همه ی آن کاخ ها و تزئینات را بمنوان یک موزه بحال خود گذارد و فقط هنگام تشریفات از آن تجمعات در سلام عام استفاده نمود.

دربار پهلوی را با سازمان نو در خانه خود ترتیب داد و از آنجا که خوی سربازی و نظام دادن در هر کار را داشت ابتدا در باریان را ملبس به لباس و کلاه متحدالشکل برنگ جامه سربازی با علامت «تاج پهلوی» گردانید و سپس با اصلاح بیشتر سازمان های دیگر مملکتی پرداخت.

سحرگاهان برمیخواست و پیوسته از نخستین دقائق بامداد تا پاسی از شامگاه با حرارت و جدیت سرگرم امور مملکت بود و هنگامی هم که استراحت مینمود از طرح نقشه های اصلاحی و اندیشه در امور مملکت دور نبود.

اسکورت عشایر

* همزمان با ایجاد امنیت تمام روسای عشایر بمركز آمدند و در سلام ها و تشریفات رسمی حضور یافتند و هر یک عده ای از افراد خود را بمنوان اسکورت شاه برای اظهار انقیاد تعیین کردند.



بازدید از بی‌سیم پهلوی و افتتاح تأسیسات جدید آن - سال ۱۳۰۵ خورشیدی

ایران و رضا شاه پهلوی



• هر قدر از وقوع حوادث تاریخی بیشتر بگذرد و رویدادها جزء تاریخ بشود قضاوت‌ها درست‌تر میشود و واقعیت بهتر نمایان میگردد زیرا حب و بغض‌ها کم کم از میان میرود و فقط محصول آنچه بوقوع پیوسته برای ما باقی میماند.

• آنطور که امروز درباره رضا شاه کبیر، قضاوت میشود بی‌شک با دیروز تفاوت بسیار دارد و یقین باید گفت که فردا قضاوت‌ها پاک‌تر و بیشتر عاری از پیرایه خواهد بود زیرا برای ساختن هر بنای نو باید بنای کهنه را و از کون ساخت و مصلحت اکثریت و اجتماع را بر منافع اقلیت و افراد خاص ترجیح داد از این رو آنها که همیشه با عقب ماندگی خود گرفته و از ترقی و تعالی توخس دارند هرگز از نو سازی مملکت لذت نمیبرند و نفع خود را در آنچه بوده میجویند، پس بدیهی است قضاوتشان گمراه‌گر و منافشان دور میزند و عقایدشان با حقایق و وفق نمیدهد، اما قضاوت یک جامعه پیرامون تحول و تغییر مسیر زندگی یک ملت از تراوش روح اکثریت آن جامعه آشکار میگردد و هیچ قضاوتی درباره رضا شاه پهلوی بهتر از مدارج ترقی او تا شاهنشاهی و پشتیبانی افکار و احساسات عمومی از او نبوده و نیست.

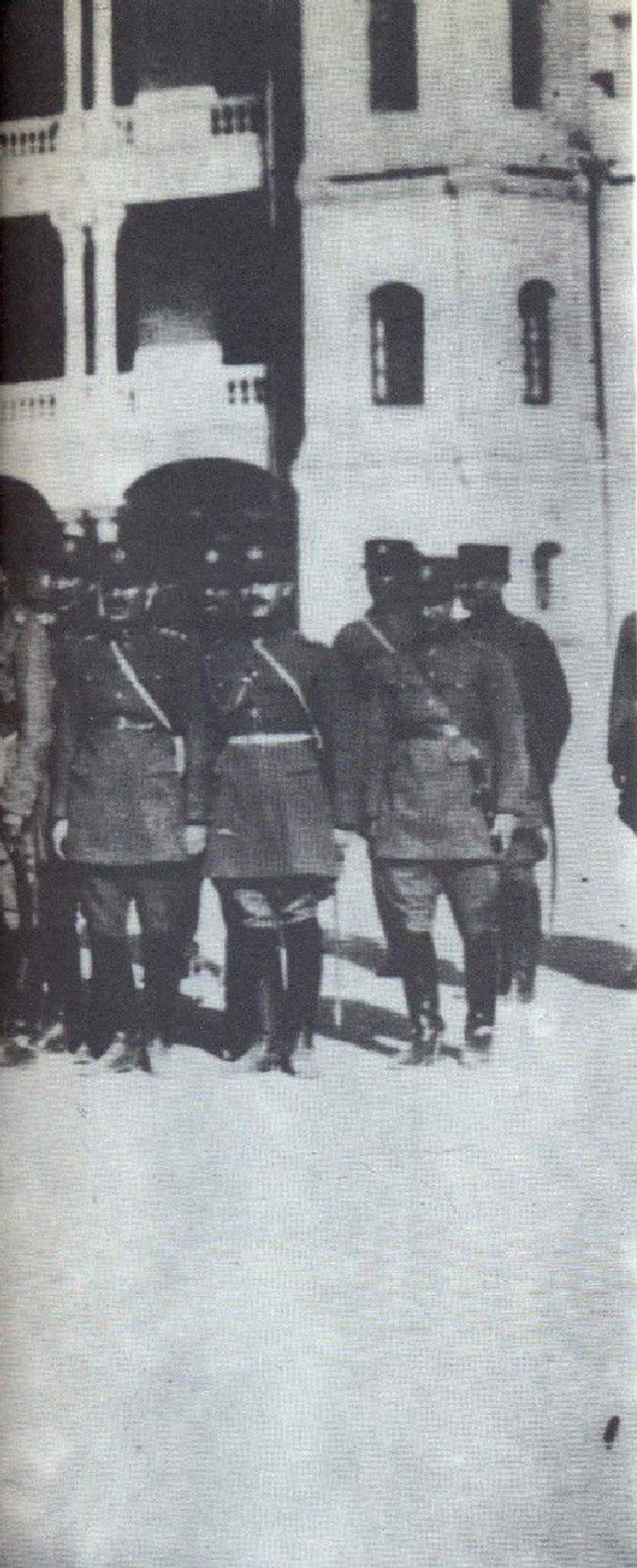
• باشد که روزگاران دراز بگذرد و نسل‌های دیگر پس از ما بیایند و باز هم با خطوط برجسته بنویسند که رضا شاه کبیر سر سلسله‌ی دودمان پهلوی، ایران را از انقراض نجات داد و ملت ایران را از عقب ماندگی‌های تاریخی بخشید و جامعه‌ی ایرانی را بمسیر آرزوهایش کشانید، وحدت ملی و نظام اجتماعی را با ایجاد امنیت که سرفصل سعادت هر ملت است نصیب ساخت و در طول بیست سال در تمام ارکان اجتماعی ایران تحولی شگرف بوجود آورد و مقدمه‌ای برای آن دگرگونی واقعی که آرزویش بود فراهم ساخت.



ایران در راه نو

همانطور که در فصل «ایران و رضاشاه پهلوی» یاد شد از هنگامی که آن شاهنشاه بزرگ به سلطنت رسید با ایجاد امنیت داخلی و موقعیت بین‌المللی در همه‌ی ارکان، سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران تحول و دگرگونی شگرفی پدید آورد و ایران وطن ما، در راه نو گام برداشت و تا آنجا که میسر شد مسیر تاریخ ایران را عوض کرد که در اینجا باختصار از آن یاد میشود زیرا بگونه‌ی فصول پیشین یادآوری رویدادها خود بهتر میتواند همین حقایق باشد.





ارتش و امنیت داخلی

* بیش از همه سازمانهای مملکتی ارتش مورد توجه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بود و در اینجا باز هم برای رسائی سخن خود گواه از کتاب شاهنشاه آریامهر میآوریم که در این باره مینویسند :

« پدرم با تمام قوا با اصلاحات داخلی ایران پرداخت . اولین تصمیم او که از دیر باز مورد علاقه و آرزوی او بود این بود که قسمت های پراکنده و از هم گسیخته ایران را بار دیگر بصورت واحد کاملی در آورد و برای انجام این منظور به ارتش نیرومندی احتیاج داشت از همان روزی که وزارت جنگ و فرماندهی کل قوا بوی محول گردید شروع کرد که بریگاد قزاق ایران و پلیس جنوب و ژاندارمری و سایر عناصر ارتش را با یکدیگر پیوسته و ارتش واحدی از مجموع نیرو های ایران تشکیل دهد . ترتیب غذای سربازان و رسیدن حقوق مرتب بآنها و تعلیمات نظامی جدید مورد توجه خاص او قرار گرفت و در بالا بردن روحیه آنها که از خدمت بکشور و ایرانی بودن خود سرافرازی داشته باشند مساعی جمیله بکار برد .

ارتش ایران در سال ۱۳۰۴ مرکب از پنج لشکر اصلی و یک هنگه مستقل و یک سازمان مأمور حراست طرق و شوارع برای حفظ امنیت و جلوگیری از دزدان مسلحی که در ایران براهزنی میپرداختند . (پدرم در نقاط خطرناک عرض راه های ایران برج هایی ساخت که عده ای از افراد ژاندارم در آنها دائماً اقامت کرده و بتأمین راه ها و حفاظت مسافریین میپرداختند) کمی بعد یک نیروی دریائی و هوائی کوچکی را نیز باین ارتش اضافه کرد . در سال ۱۳۰۵ قانون نظام وظیفه به تصویب رسید و در سنوات ۱۳۰۶ و ۱۳۱۱ اصلاحاتی در آن بعمل آمد و نیز بتاسیس دو آموزشگاه نظامی اقدام و عده ای از جوانان را برای تربیت بفرانسه اعزام و عده ای مستشار نظامی فرانسوی برای ارتش ایران استخدام نمود . »

* اعلیحضرت رضاشاه کبیر بیشتر بعد از ظهر ها ناگهانی به سربازخانه ها میرفت و از همه جا و از همه چیز بازدید میکرد و با خرده گیری بازخواست مینمود و اغلب بدانشکده افسری میرفت و سخت توجه داشت که افسران توانا و تحصیل کرده برای مملکت تربیت بشود .

* او علاوه بر مدارس نظام دانشگاه جنگ را بنیاد نهاد که سطح معلومات افسران ارشد در ارتش هر روز بالاتر برود .
* درباره ارتش و سازمانهای وابسته بآن و نیز درباره تسلیحات ارتش و کارخانه های اسلحه سازی عصر رضاشاه کبیر آنقدر گفتگو و سخن هست که حدی بر آن متصور نیست ولی در این مختصر باید بیشتر بکارخانه های اسلحه سازی اشاره نمود که در عصر او توانائی ایران در اسلحه سازی بجائی رسید که مسلسل های سبک و سنگین و تفنگ های کوتاه و بلند و متوسط از نوع معروف به « برنو » با فشنگ ضد تانک و تمام لوازم آن و نیز اسلحه های دیگر با کالیبر های بزرگ و کوچک در سلطنت آباد تهران ساخته میشد چنانکه تا امروز ادامه دارد و تمام ملزومات ارتش همه از نوع و فرم جدید در ایران تهیه میشود .

تسلحات و بناهای ارتش

* کارخانه ای بنام « شهباز » در زمینهای دوشان تپه برای تعمیر و سوار کردن و حتی ساختن بعضی لوازم هواپیما تأسیس گردید ، ارتش به نیروهای موتوری مجهز شد ، کشتی جنگی خریداری نمود ، و نیروی هوائی تا آنجا که میسر بود قوت گرفت . در روزهای تاریخی سوم اسفند که بمصر او روز ارتش بود وقتی از نیروهای شاهنشاهی سوار بر اسب سفید سان میدید و با لباس نظامی ساده خود رژه میگرفت آثار نشاط و مسرت از چهره تابناک او هویدا بود . برای ارتش هم بیمارستان و سازمانهای خاص ساخت ، عمارت وزارت جنگ را



اعلیحضرت رضاشاه کبیر چه پیش از سلطنت و چه در تمام سال های سلطنت سالی چند بار از استانها و شهرستانهای ایران بازدید بعمل می آوردند و از نزدیک برای اصلاحات دستورات صادر می کردند و سال دیگر نتیجهی دستوراتی را که داده بودند می خواستند. در سالهای نخستین سلطنت توجه اعلیحضرت بیشتر معطوف بامنیت بود. در اینجا اعلیحضرت پس از بازدید از نیروهای آذربایجان در سر بازخانه «میانه» از دامیرلشکر امیر طهماسب «فرمانده نیرو پرش میفرمایند.

در بازدید از آذربایجان



نیروی عشایر در خدمت ارتش

* هنگامی که ارتش نوین ایران نیرو گرفت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی برای تحقق دادن به وحدت ملی ایلات و عشایر را هم به خدمت ارتش درآورد تا کم کم آنها که خوی سپاهی دارند جامعه‌ی نظامی بپوشند و بازمانده ایلات و عشایر سرگرم کشاورزی گردند و برای همین منظور با تشکیل اسکورت عشایر موافقت کرد حتی سران عشایر و نیز همه آنها را که با جنگ و ستیز دستگیر و یا تسلیم شده بودند اجازه داد که با لباس و سلاح خود مانند شیخ خزعل و دوست محمدخان و یاسران کردولر و قشقائی و بختیاری با شمشیر و قمه و قداره در صف رجال و اعیان و اشراف و وزیران و کیلان مجلس بایستند و حالت دشمنی نداشته باشند. این هدف و نیت آن مرد بزرگ بود.

اما آنها که خوی یاغی‌گری در نهادشان شراره میکشید آنقدر دسیسه و تبانی و تحریک پنهانی کردند و برای اجرای مقاصد خود از طهران گریختند و مانند دوست محمد خان بلوچ و بعضی سران دیگر عشایر دوباره بنای یاغی‌گری را گذاردند که او را وادار با اتخاذ تصمیم مجدد نموده و عملاً وادار ساختند که باوضع خان خانی خاتمه بدهد.

* از خدمات دیگر آن سردار بزرگ و شاهنشاه کبیر اسکان عشایر و نظام وظیفه عمومی است که خدمتی بزرگ محسوب میشود و مهمتر آنکه برای باسواد شدن افرادی سواد نظام وظیفه، سربازان در سربازخانه‌ها و ادار به نوشتن و خواندن بودند و ساعات معینی برای درس خواندن داشتند * بنا بر امرا و نیروی دریائی را در سال ۱۳۱۱ بنیاد نهادند و نیروهای موتوریزه و اربابهای جنگی و وسائل ضد هوائی را با ارتش آوردند و آموزشگاه های نظامی را از دبستان تا دانشگاه جنگ تأسیس و تقویت کرده و هر چه توانستند به بودجه ارتش افزودند تا مملکت همیشه از امنیت بمعنای واقعی برخوردار باشد.

هنگامیکه اعلیحضرت رضاشاه کبیر عازم ایالات و ولایات ایران میشدند در طول راهها مراسم استقبال بعمل میآمد و برای استراحت اعلیحضرت پوشهای سلطنتی آماده می گشت، ولی اعلیحضرت بدون استراحت از نخستین لحظه ورود جزئیات امور را از فرمانده لشکر و استاندار و مأمورین دولت و حتی از کوچک ترین افراد مورد پرسش قرار میدادند و برای ایجاد جادههای تازه و ساختن خانههای نو و سربزی کشاورزی و رعایت نظم و مقررات در همه امور اجتماعی اوامری میدادند و اکثر مأمورین دولت مورد بازخواست قرار میگرفتند و تخلفات آنها کمتر بخشوده میشد.

توقف در راهها



نخستین روز بنیاد راه آهن

بعد از ظهر روز يكشنبه بیست و سوم مهرماه سال ۱۳۰۶ در حالیکه باد موسمی پائیز بسختی میوزید و بیست و يك تیرتوپ شلیک می شد وزیر فوائد عامه در بیرون دروازه گمرک و بیابان وسیعی که امروز ایستگاه راه آهن تهران است ، کلنگ نقره ای کوچکی را به اعلیحضرت رضاشاه کبیر تقدیم داشت و شاهنشاه اولین اثر آبادانی را در آن بیابان به خاک فرود آوردند و ساختن راه آهن سراسری ایران آغاز گشت ،

نشان اعلیحضرت رضاشاه کبیر

اعلیحضرت سخنانی بسیار ایراد فرمودند و بعد از شاهنشاه رئیس مجلس شورای ملی « مؤتمن الملك پیرنیا » اظهار داشت که « ... ملت ایران از این موفقیت اعلیحضرت همایونی در راه آهن فوق العاده مشعوف است و همه امیدواریم بتدریج اصلاحات مهمی در مملکت صورت بگیرد و ملت ایران سعادتمند گردد ... »

پاسخ رئیس مجلس شورای ملی

همان هنگام ، اعلیحضرت ضمن بیانات خود فرمودند .
« ... امروز بعون الله تعالی یکی از آرزوهای دیرینه من بر آورده شد و قدم دیگری از مراحل عملی طی گردید و در محلی که ایستگاه آتیه راه آهن خواهد بود عملیات ساختمان راه آهن را افتتاح میکنم و در همین موقع که راه آهن از تهران شروع بساختن میشود دستور میدهم که از جنوب و شمال یعنی در اهواز و در بندر گز شروع بساختن بنمایند تا راهها زودتر بیکدیگر اتصال یابد ... »

در مراسم نخستین کلنگ راه آهن ایران رجال و اعیان مملکت و از جمله سران عشایر حضور داشتند. شیخ خزعل نیز از مدعوین و در صف رجال بود . دبیر اعظم بهرامی اولین « رئیس دفتر مخصوص » اعلیحضرت رضاشاه کبیر بخط خود جریان نشانه اولین ساختمان راه آهن را بر این عکس نوشته است

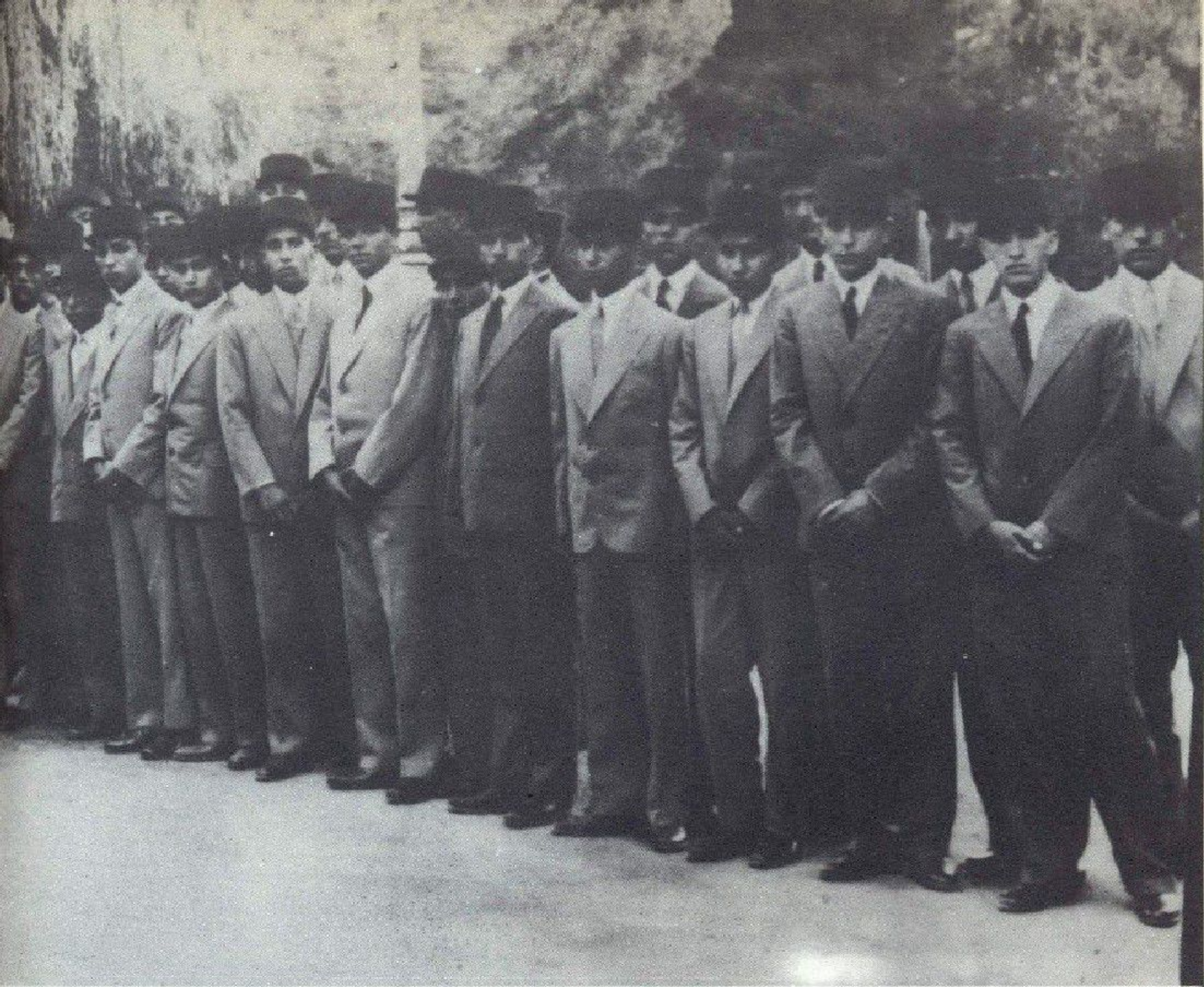




اعلیحضرت رضاشاه پهلوی با قاق ولایتعهد «شاهنشاه آریامهر» برای مراسم
سلام از تالار برلیان عازم عمارت موزه کاخ گلستان هستند

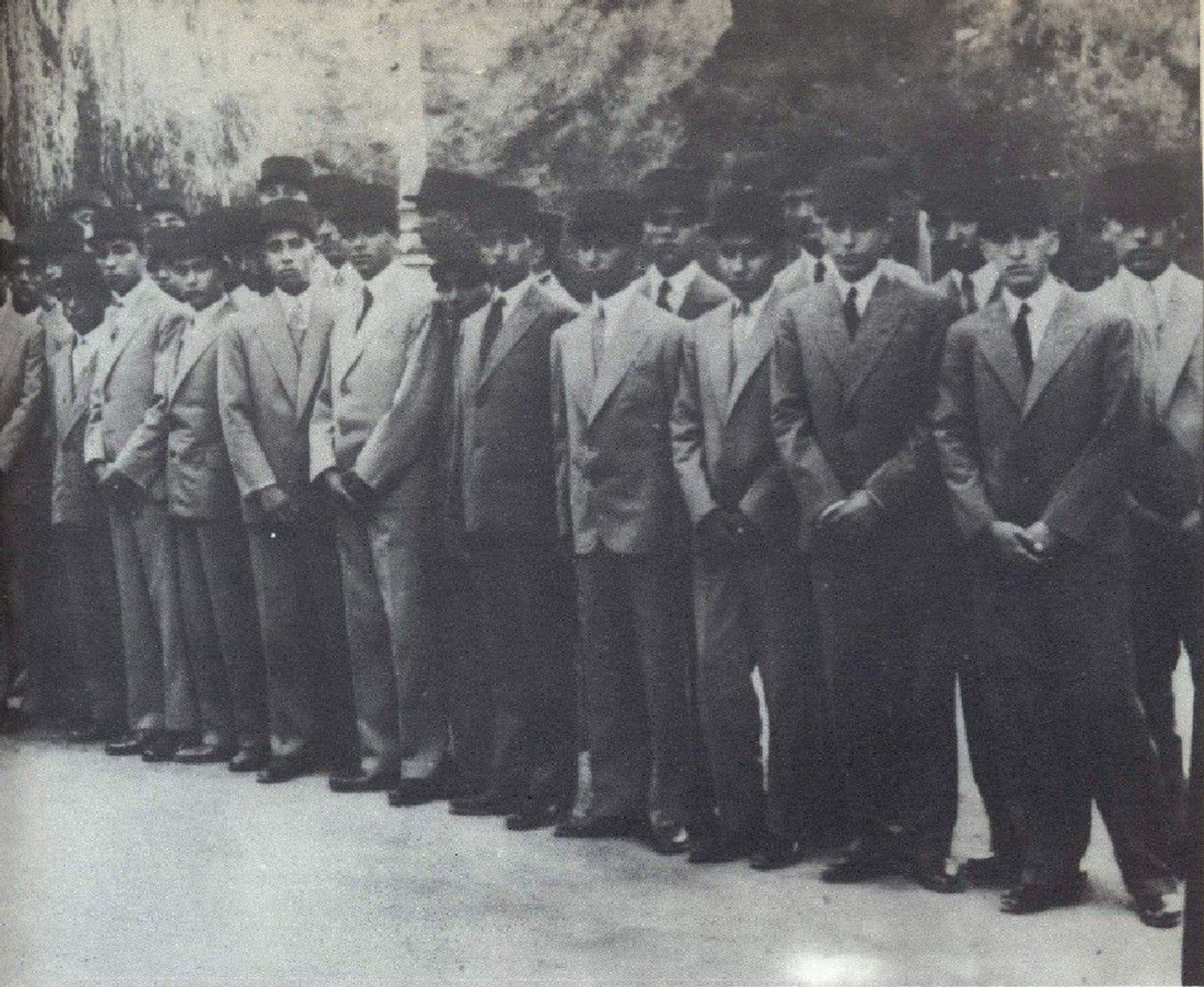
بناهایی که در میدان مشق قدیم بوجود آمد با همان سردر جالب هنوز مورد توجه عمومی است





چشم فارغ التحصیلان دانشکده افسری در سال ۱۳۰۷





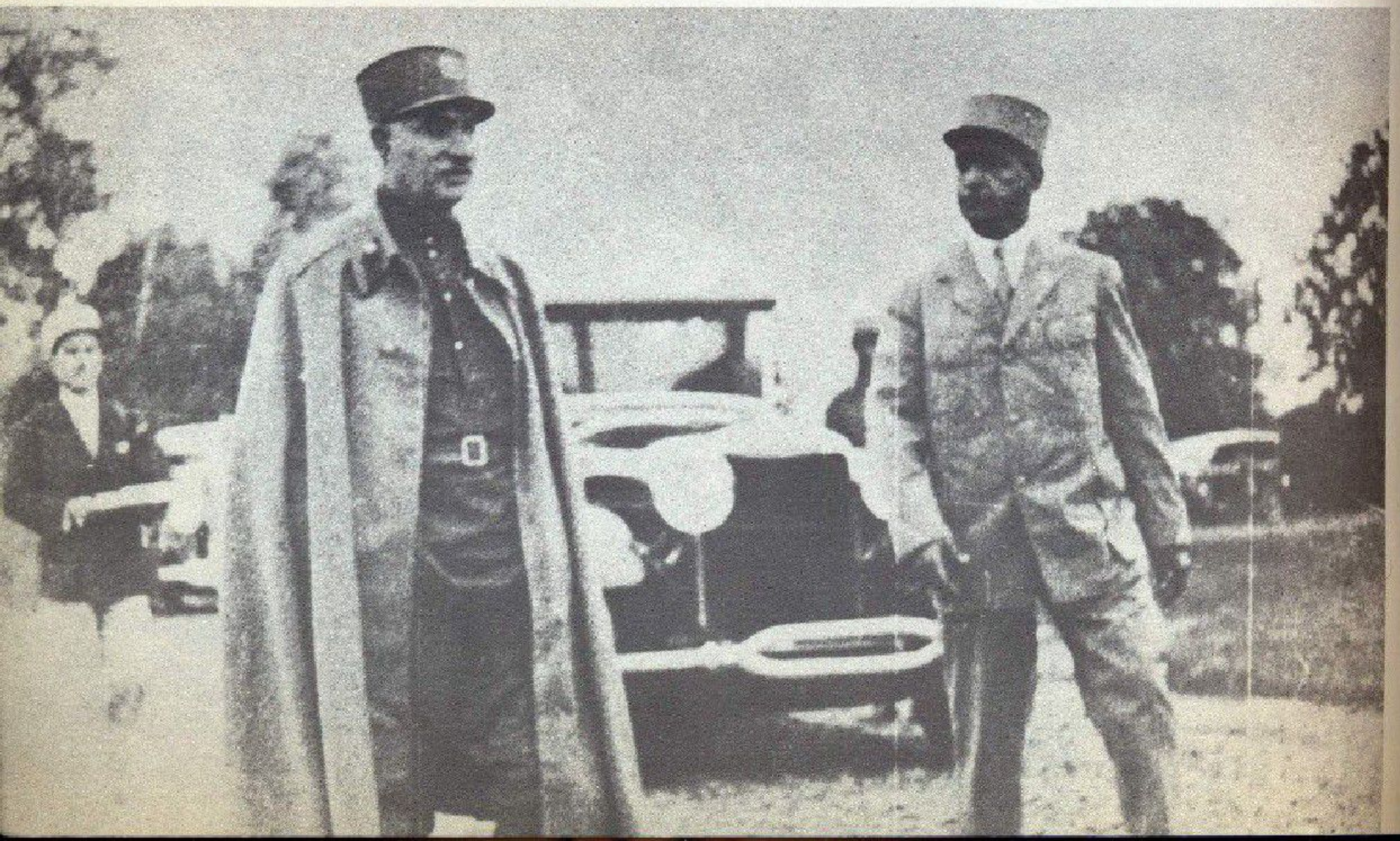
جشن فارغ التحصیلان دانشکده افسری در سال ۱۳۰۷





کلاردشت

● پس از این کوه‌های کوتاه پوشیده از جنگل ، کلاردشت آغاز میشود ، کلاردشت همیشه مورد توجه اعلیحضرت رضاشاه کبیر بود و هرگاه که بمازندران گام میگذارند از کلاردشت هم بازدید میکردند ، در سالهای نخستین سلطنت راه‌های مازندران « شوسه » نبود اما بتدریج راه‌های فرعی و اصلی احداث شد و راه سراسری کناره، رفت و برگشت را در ساحل جنوبی دریای مازندران آسان ساخت و « سخت‌سر » را در این راه « رام‌سر » گردانید .



اشرف و بهشهر

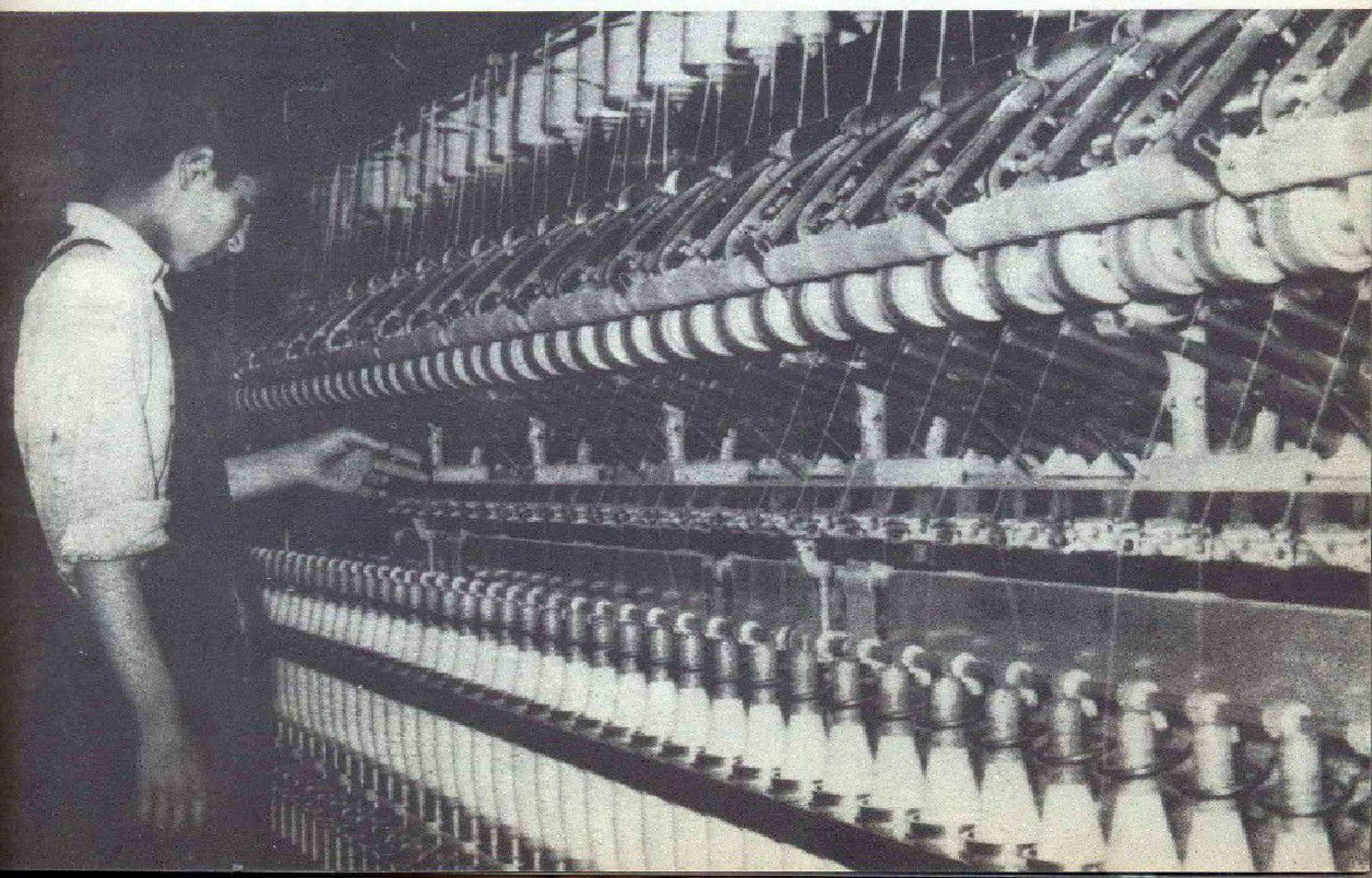
در بازدید از مازندران شهر « اشرف » که پس از آبادانی عصر پهلوی « بهشهر » نام گرفت یکی از مراکز صنایع جدید نساجی شد ،
* در اینجا وزیر جنگ ، رئیس مباشرت مجلس شورای ملی و سرپرست شرکت تلفن ، وزیر دربار پهلوی ، وزیر مالیه و وزیر فواید عامه در حضور اعلیحضرت و ولایت عهد هستند .
شهر اشرف مازندران از شهرهای تاریخی مازندران است که هنوز آثار شاهان عصر صفوی در آن بیچشم میخورد .





گروهی از کارخانه چیت سازی

بازدید از محل تأسیس کارخانه چیت سازی درمازندران





اعلیحضرت رضاشاه کبیر و والاحضرت ولایت عهد «شاهنشاه آریامهر» هنگام نصب اولین سنگ بنای شیرو خورشید سرخ ایران در شهرستان بابل از استان مازندران. سال ۱۳۰۷.
 از راست به چپ: ادیب السلطنه سمعی، قائم مقام رفیع، امیراکرم پیشکار ولایتعهد، تیمورتاش وزیر دربار، مجلل الدوله دولتشاهی رئیس کثریفات دربار، دکتر امیراعلم طبیب مخصوص، سرلشکر فضل‌اله زاهدی فرمانده نیروی شمال، نصرت الدوله فیروز وزیر مالیه، سردار اسعد بختیاری وزیر جنگ، داور وزیر عدلیه، سرلشکر شیبانی رئیس ستاد ارتش، سرهنگ ریاضی، قاسم صور - اسرافیل وزیر پست و تلگراف.

در مازندران

بنده گز سال ۱۳۰۷، بازدید از محل ایستگاه راه آهن سراسری. از چپ برآست، اعلیحضرت رضاشاه کبیر، والاحضرت ولایت عهد «شاهنشاه آریامهر»، وزیر جنگ، رئیس مدرسه مخصوص ولایت عهد در مدارس نظام، وزیر دادگستری، رئیس مباشرت مجلس شورای ملی، رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی، رئیس مجلس شورای ملی، استاندار مازندران.



بندر شاه درکناره شرقی دریای مازندران

آنروز که اعلیحضرت رضا شاه کبیر اولین کلنگ را برای ایجاد راه آهن سراسری ایران در بیرون دروازه گمرک تهران بزمین زدند ضمن بیانات خود افزودند که دستور دادم ساختمان خطوط راه آهن از بندر شاه درکناره دریای مازندران و از بندر شاهپور درکناره خلیج فارس نیز آغاز بشود که خطوط زودتر یکدیگر ارتباط بیابد. یک سال بعد بندر شاه که پیش از آن ساحل ماهیگیری بیش نبود تغییر قیافه داد و اسکله بزرگ آن بوجود آمد و راه آن در بحر خزر پیش رفت و همه ساله پیشرفت های آن بندر بهنگام اسب دوانی دشت گرگان مورد بازدید شاهنشاه قرار میگرفت.



امیر اکرم شخصیتی ارجمند از خاندان پهلوی بود که صفات حمیده و تجربه بسیار داشت و بهمین سبب از طرف اعلیحضرت رضا شاه کبیر بعنوان پیشکار ولایتعهد انتخاب شد و تا حیات داشت همیشه در خدمت و در حال مراقبت بود



در راه کردستان رؤسای ادارات و سران عشایر کرد از اعلیحضرت رضا شاه کبیر استقبال کردند .



نفت در ایران باستان

از هنگامی که مشعل تمدن بشری
فروزان شد بهره برداری از نفت
نیز آغاز گردید .

باستان شناسان ثابت کرده اند
که ایرانیان از پنجهزار سال پیش
نفت را می شناختند از چاه های سطحی
نفت مخلوط با آب و نمک استخراج
میکردند و نفت آنرا در روشن ساختن
مشعل و قیر آنرا در صنعت کشتی سازی
بکار میبردند و گاه در جنگها مورد
استفاده قرار میدادند .

آتشکده های ایران که میگفتند
آتش جاویدان دارد در معابد با نفت
همیشه مشعل بود و نخستین کشوری
که از نفت بهره برداری کرد ایرانیان
بودند و در عصر جدید هم اولین
کشوری در خاور میانه که نفت به دنیا
داد ایران بود . نفت ایران در دو
جنگ گذشته سهم بزرگی در پیروزی
متفقین داشته است .

هنگام بازدید از صفحات شاه آباد غرب و کرمانشاهان چشمه ای

جوشان از نفت مورد توجه قرار گرفت



چند جمله از سخنان اعلیحضرت رضاشاه کبیر را عکاس مخصوص براین صفحه نوشته است .

یادی از شهر تاریخی شوشتر

● .. در دوران قبل از سلطنت پدرم وطن ما روزهای بسیار سخت و پریشانی را میگذراند ، و دیگر از آن مقام رهبری که در جهان در طرز کشور داری و تشکیلات مملکتی و علم و ادب و هنر داشتیم اثری برجای نمانده بود ، ما دیگر از تعدی طبقات ممتاز اجتماع طبقات زیر دست متأثر نمیشدیم و از وطن پرستی و شجاعت و تقوی از ما اثری ظاهر نبود و دیگر براسستگویی نگرانیده و از دروغ پرهیز نداشتیم ، از این جهت برای درك اوضاعی که پدرم با آن مواجه بود و با موفقیت بسیار آنرا دیگرگون ساخت باید نظری اجمالی بدوره قبل از زمامداری وی انداخت . .

از کتاب ماموریت برای وطنم

بازدید از شوشتر

هنگامی که اعلیحضرت رضاشاه کبیر از راه جدید خرم آباد به خوزستان عزیمت فرمودند از یکایک شهرهای آن استان بازدید بعمل آوردند و پیش از ورود به شهر تاریخی شوشتر بامشاهده آب رودخانه ای که از آن بهره برداری نمیشد اظهار تأسف فرموده و برای مشروب ساختن شوشتر اوامری صادر کردند.



چند جمله از سخنان اعلیحضرت رضاشاه کبیر را عکاس مخصوص براین صفحه نوشته است .

یادی از شهرتاریخی شوشتر

● .. در دوران قبل از سلطنت پدرم وطن ما روزهای بسیار سخت و پریشانی را میگذرانید ، و دیگر از آن مقام رهبری که در جهان در طرز کشور داری و تشکیلات مملکتی و علم و ادب و هنر داشتیم اثری برجای نمانده بود ، ما دیگر از تعدی طبقات ممتاز اجتماع طبقات زیر دست متأثر نمیشدیم و از وطن پرستی و شجاعت و تقوی از ما اثری ظاهر نبود و دیگر بر استکوفی فکرائیده و از دروغ پرهیز نداشتیم ، از این جهت برای درك اوضاعی که پدرم با آن مواجه بود و با موفقیت بسیار آنرا دیگرگون ساخت باید نظری اجمالی بدوره قبل از زمامداری وی انداخت . .

از کتاب ماموریت برای وطنم

بازدید از شوشتر

هنگامی که اعلیحضرت رضاشاه کبیر از راه جدید خرم آباد به خوزستان عزیمت فرمودند از یکایک شهرهای آن استان بازدید بعمل آوردند و پیش از ورود به شهر تاریخی شوشتر بامشاهده آب رودخانه ای که از آن بهره برداری نمیشد اظهار تأسف فرموده و برای مشروب ساختن شوشتر اوامری صادر کردند.

گشایش شاهراه خوزستان و سخنان شاهنشاه

اوضاع زمانه و نیازمندیهای روزگار افراد را برای هر دوره‌ای به تناسب همان دوره تربیت می‌کند هر چند آدمی تنها مولود و نتیجه اوضاع زمانه نیست و عوامل دیگر نیز در حیات او مؤثر است
از نیشه‌های شاهنشاه آریامهر



در نیمه دوم سال ۱۳۰۴ خوزستان امنیت خود را بازیافت و راه‌های شمالی و شرقی بخوزستان متصل شد. نخستین شاهراهی که بامر اعلیحضرت رضا شاه کبیر خوزستان را به تهران پیوند داد راهی بود که در دوم آبان ماه سال ۱۳۰۷ با تشریف فرمائی اعلیحضرت رضاشاه کبیر افتتاح گردید. از روز قبل هیئت دولت، عده‌ای از نمایندگان مجلس، روزنامه نگاران و بسیاری از رجال و اعیان مملکت از راه جدید و قم به بروجرد، عازم خرم‌آباد شدند و اعلیحضرت رضاشاه کبیر پیش از ورود به خرم‌آباد با قطع نوار سدرنگ راه را گشودند و ضمن بیانات خود فرمودند: «یکی دیگر از آرزوهای ملی من برآورده شد. اهمیت این راه زیاد است و یک قسمت اصلی کشور را بایران متصل می‌سازد. من از خداوند کمک می‌طلبم که بتوانم از دل همین کوه‌ها راه آهن ایران را عبور بدهم و این افتخار نیز نصیب گردد. این راه شمال را به جنوب متصل می‌کند یعنی دودریا را بهم پیوند می‌دهد و امیدوارم ببینم که پندرشاه هم باراه آهن به بندر شاهرود متصل گردیده است».

سپس اعلیحضرت رضاشاه کبیر با لباس تمام رسمی و جقه سلطنتی و شل آبی سوار بر اسب سفید با ملتزمین که همه سواره بودند از مقابل صف عشایر لر که با استقبال آمده بودند گذشته و نسبت با آنها اظهار تفقد نموده از سران شان پرسشهایی فرمودند.

این مراسم در نظر عشایر لر که در قرون اخیر شاهنشاه را در منطقه خود ندیده بودند اثری عمیق داشت و آنها را نسبت با اعلیحضرت رضاشاه کبیر وفادار ساخت.



سازمان جدید پست ایران با بیانات اعلیحضرت رضاشاه گیسوگشایش یافت.

نخستین رژه ارتش در میدان جلایه برای بزرگداشت روز سوم اسفند در پیشگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر و والاحضرت ولایت عهد «شاهنشاه آریامهر».



فهرست مطالب

۱۸۴-۱۷۷	تشکیل کنکره مستشرقین در تهران	صفحه ۸ تا ۱۵	سایه‌ای از سالهای سپری شده
۱۸۹-۱۸۵	بهداشت و سلامتی	۱۶ - ۱۷	روزگار سردار ایران
۱۹۵-۱۹۰	کارخانه های بزرگ و گسترش صنعت	۱۸ - ۱۹	بیوگرافی او
۲۰۱-۱۹۶	داستان راه آهن شرق	۲۰ - ۲۱	سخنی رساتر
۲۰۷-۲۰۲	دادگستری - قوه قضائیه	۲۲ - ۲۴	کودتا و فرماندهی کل قوا
۲۰۹-۲۰۸	آزادی زنان ایران	۲۵ - ۲۷	جنگهای سردار پهلوی
۲۱۲-۲۱۰	بازگشت ولایتعهدی بوطن	۲۸ - ۳۱	کارنامه سال ۱۳۰۱
۲۱۹-۲۱۳	اداره مملکت بامشورت ولایتعهد	۳۲ - ۳۳	گوشه‌ای از رویدادهای سال ۱۳۰۲
۲۲۵-۲۲۰	رویدادهای راه لرستان	۳۴	تأسیس مدارس نظام
۲۳۱-۲۲۶	یادگارهایی از ایران باستان	۳۵	اعزام اولین گروه افسران محصل به اروپا
۲۳۳-۲۳۲	سخنی درباره یادگانها	۳۶	تأسیس شیروخورشید سرخ
۲۴۳-۲۳۴	خوزستان استان کهنسال ایران	۳۷	عزیمت افسران محصل به اروپا
۲۵۳-۲۴۴	خلیج فارس و سواحل آن	۳۸	ریاست وزراء و فرمانده کل قوا
۲۶۲-۲۵۴	استان فارس و شهر شیراز	۳۹	غوغای جمهوریت
۲۷۵-۲۶۳	شاهنشاه پهلوی در کاخ شاهنشاه هخامنشی	۴۰ - ۴۱	کناره گیری سردار سپه
۲۷۷-۲۷۶	باستانشناسی بصر پهلوی	۴۲ - ۴۵	کابینه دوم
۲۷۹-۲۷۸	یادگار عضدالدوله دیلمی	۴۶ - ۵۱	پایان ماجرای خوزستان
۲۸۱-۲۸۰	از شیراز تا تهران	۵۲ - ۵۳	بزرگداشت سوم اسفند
-۲۸۲	اصفهان نمودار صنعت ایران	۵۴ - ۵۵	رویدادهای سال ۱۳۰۳
-۲۸۳	مشوق بزرگ صنعت گران	۵۶ - ۵۷	سلطنت بجای جمهوریت
۲۸۷-۲۸۴	معتقدات و ایمان و بازدید از موزه قم	۵۸ - ۵۹	انقراض سلطنت قاجاریه و تشکیل حکومت موقتی
-۲۸۸	کارخانه سیمان ری	۶۰ - ۶۴	والا حضرت پهلوی رئیس حکومت موقتی
۲۹۰-۲۸۹	سیلوی تهران	۶۵ -	سلطنت پهلوی
-۲۹۱	چراغ برق	۶۶ - ۶۷	فرمان ولایتعهد
۲۹۳-۲۹۲	دورنمای پیشرفتهای اقتصادی	۶۸ - ۷۱	جلوس رضاشاه پهلوی بر تخت مرمر
۲۹۸-۲۹۴	امتمه وطن	۷۲ - ۷۳	چند برگ از کارنامه سالهای نخستین سلطنت
۳۰۳-۲۹۹	شرکت در بازارهای جهانی	۷۴ - ۷۸	اولین اقدام تاریخی رضاشاه پهلوی
۳۰۷-۳۰۴	دخانیات ایران	۷۹ -	جگونگی مراسم افتتاح بیسیم
۳۱۱-۳۰۸	سنگ بنای کارخانه ذوب آهن	۸۰ - ۹۸	تاجگذاری رضاشاه کبیر
۳۱۳-۳۱۲	راه کوهستانی چالوس	۹۹	ایران و رضاشاه پهلوی
۳۱۵-۳۱۴	کشایش تونل کندوان	۱۰۰ - ۱۰۱	ایران در راه نو
۳۱۹-۳۱۶	راه آهن ایران	۱۰۲ - ۱۰۵	ارتش و امنیت داخلی
۳۲۵-۳۲۰	مرحله سوم پیشرفت راه آهن ایران	۱۰۶ - ۱۰۸	نخستین روزبنیاد راه آهن
۳۳۰-۳۲۶	یک روز پیروز در تهران	۱۰۹ -	اعزام اولین گروه محصلین کشوری باروپا
۳۳۴-۳۳۱	افتتاح راه آهن سراسری	۱۱۰ - ۱۲۶	سفرها و توسازی شهرها
۳۳۵	یادی از راه آهنهای پیشین	۱۲۷ - ۱۳۲	گشایش شاهراه خوزستان و سخنان شاهنشاه
۳۳۷-۳۳۶	فرا گرفتن رموز شاهنشاهی	۱۳۳ - ۱۴۵	معارف و فرهنگ
۳۳۸	هنرستان دختران	۱۳۶ - ۱۳۹	سیاست مثبت و امنیت بین المللی
۳۳۹	ارشاد جامعه	۱۵۰ - ۱۵۲	الغاء کاپیتولاسیون
۳۴۱-۳۴۰	دانشگاه جنگ	۱۵۳ - ۱۵۹	بانکهای نوین عصر پهلوی
۳۴۴-۳۴۲	نقض بیطرفی ایران	۱۶۰ - ۱۶۱	دیدارها و بازدید های سران دول از ایران
-۳۴۵	جلای وطن	۱۶۳ - ۱۶۷	دعوت کمال آتاتورک از رضاشاه کبیر
۳۵۰-۳۴۶	بازگشت	۱۶۸ - ۱۷۶	بزرگترین گام در راه دانش و فرهنگ

جلد یکم